

سیاست‌های اصلاح و درمان فرهنگ‌محور در زندان‌های ایران

علیرضا صالحی^۱، محمدعلی شیخ موحد^۲ و یاسر شاکری^۳

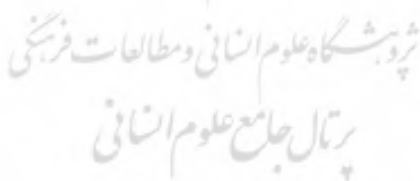
چکیده

زمینه و هدف: زندان یکی از متداول‌ترین ابزارهای قانونی برای مجازات مجرمان در دنیا محسوب می‌شود. حبس مجازاتی است که به قصد سلب آزادی فرد مورد حکم قرار می‌گیرد. اگر گزینه‌های کیفری پرهزینه مانند زندان، بدون محدودیت بکار گرفته شوند، هزینه فرآیند تعقیب و محاکمه مجرمان بسیار هنگفت خواهد شد. از همین رو، یکی از شیوه‌های حل این مشکل، عرضه مجازات‌های اجتماعی به شکل مجازات‌های کیفری است تا از این طریق، نظام کیفری بتواند حمایت مردمی را برای اعمال این مجازات‌ها به دست آورد. بنابراین پرسش پژوهش حاضر این است که برنامه‌های اصلاح و درمان فرهنگی در زندان‌های ایران چیست؟

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و مطالب آن به روش کتابخانه‌ای با استفاده از کتب و مقالات تالیفی و ترجمه‌ای و مطالعه قوانین مرتبط تدوین شد.

یافته‌ها و نتایج: برنامه‌های فرهنگی در زندان‌های ایران شامل مجموعه‌ای از اقدامات آموزشی، عقیدتی، هنری و تربیت بدنی است که با رویکرد بهنجار کردن رفتار زندانیان توسعه یافته است.

کلیدواژه‌ها: اصلاح و درمان، زندان، فرهنگ، ایران، بازپروری.



□ **استناد:** صالحی، علیرضا؛ شیخ موحد، محمدعلی؛ شاکری، یاسر (زمستان، ۱۳۹۷). سیاست‌های اصلاح و درمان فرهنگ‌محور در زندان‌های

ایران. *فصلنامه رهیافت پیشگیری*، ۱(۴)، ۸۹-۱۰۸.

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی شیراز. رایانامه: salehi_426@yahoo.com

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی شیراز. رایانامه: mr13561358@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و مدرس گروه حقوق دانشگاه پیام نور شیراز. (نویسنده مسئول). رایانامه:

sssf200@gmail.com

مقدمه

زندان به عنوان یکی از ابزارهای کیفر مجرمان، از گذشته تا به امروز یکی از اصلی ترین مجازات های مورد توجه در نظر و عمل اکثر کشورها است. با وجود این که در دهه های اخیر، در کنار پرداختن به راهکارهای پیشگیری از جرم در ابتدا، در مواجهه با جرم نیز اندیشه کاهش صدور حکم زندان و یا جایگزینی آن با راهکارهای دیگر مبتنی بر رویکردهای حقوق بشری، از یک سو و کارآیی و منفعت مجازات زندان برای جامعه و شخص بزهکار، از سوی دیگر، مطلوب و مؤثر بودن زندان را به عنوان مجازات سالب آزادی، حداقل در بسیاری از موارد، زیر سؤال برده است اما زندان همچنان یکی از اصلی ترین ابزارهای پاسخ های کیفری به جرم است (یاوری، ۱۳۹۲، ص ۹۸۴). از حدود دو سده پیش به این سو، سلب آزادی به عنوان مجازات اصلی به تدریج جای کیفرهای بدنی را گرفت. امروزه با توجه به لغو قانونی یا عملی مجازات اعدام در بسیاری از کشورها و نیز در حقوق بین الملل کیفری و از سوی دیگر با عنایت به این که مجازات های مالی و کیفرهای مرتبط با حقوق اجتماعی در واقع ضمانت اجرایی معمول در حقوق اداری نیز هستند، کیفر سلب کننده آزادی هم در جرائم شدید جایگزین مجازات اعدام شده است و هم تنها ضمانت اجرایی اصلی حقوق کیفری محسوب می شود (بولک، ۱۳۸۵، ص ۹).

برای مجازات ها اهداف متعددی گفته شده است. از انتقام که یکی از اهداف مجازات ها در جوامع غیر متمدن است گرفته تا بازدارندگی عمومی و عبرت آموزی دیگران و تحقق عدالت، مورد بحث جدی میان متخصصان حقوق کیفری، جرم شناسان و فیلسوفان قرار دارد. تردیدی نیست که تأسیس یک نظام کیفری کارآمد و عدالت گستر بدون توجه به سیاست کیفری روشن که عدالت کیفری را در بطن خود داشته باشد، میسر نیست و به طور قطع ترسیم سیاست کیفری، بدون نگاه عمیق به اهداف مجازات ها موفقیت آمیز نخواهد بود. در دنیا این نظریه وجود دارد که حبس هنوز بهترین نوع مجازات است و تا زمانی که نتوان کیفر مناسب تر از حبس معرفی کرد باید در اصلاح زندان ها کوشید تا تغییر نوع کیفرها، زندان به مثابه آسان ترین نوع مجازات برای جرم های مختلف از دیدگاه منافع و هزینه هایی که برای جامعه دارد و خدمتی که به آرمان عدالت می کند مورد پرسش قرار گرفته است.

پژوهش های جرم شناسی مؤید این واقعیت است که اساساً اجرای مجازات زندان با اندیشه اصلاح و بازپروری بزهکار منافات دارد؛ زیرا آن چه محرک و انگیزه اصلی برای ارتکاب جرم است، تمایلات نفسانی،

فقر، بیکاری و اندیشه‌های مجرمانه‌ای است که خود می‌تواند بر حسب شخصیت افراد مختلف، دارای وجوه گوناگون و اشکال متفاوتی باشد. بنابراین اجرای زندان به جای آن که به علت یابی تمایلات مجرمانه بپردازد و برای تهذیب نفس و ارتقاء توانمندی‌های آدمی تلاش کند، تمرکز غایی خود را بر طرد بزهکار و تزلزل شخصیت آنان قرار می‌دهد. در این پژوهش تعریف اصلاح و درمان، انواع برنامه‌های اصلاح و درمان فرهنگی در زندان‌های ایران بررسی می‌شود. پرسش این پژوهش این است که برنامه‌های اصلاح و درمان فرهنگی در زندان‌های ایران چیست؟

مبانی نظری

حبس: حبس مجازاتی است که به قصد سلب آزادی فرد مورد حکم قرار می‌گیرد (گودرزی بروجردی و الوندی، ۱۳۸۲، ص ۴۳). سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود به طوری که در آن، حالت ترخیص وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار وجود داشته باشد آن را توقیف گویند نه حبس (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص ۲۰۸). مطابق ماده ۳ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ (زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامات قضایی صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به‌طور دائم به‌منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگهداری می‌شوند)؛ همچنین مطابق ماده ۴ آئین‌نامه یادشده «بازداشتگاه، محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی تا تصمیم‌گیری نهایی به آنجا معرفی می‌شوند».

فرهنگ: فرهنگ به‌عنوان یکی از متمایزترین ویژگی‌های حاکم بر روابط اجتماعی، دربردارنده طیفی از ارزش‌ها، هنجارها و کالاهای مادی ویژه یک گروه معین است (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۷۸۵). با ملاحظه تعریف یادشده، به روشنی می‌توان عناصر مبنایی و اساسی تشکیل‌دهنده یک نظام فرهنگی را برشمرد: بر مبنای تعریف اولسون چهار جزء اصلی فرهنگ عبارت‌اند از: باورها، ارزش‌ها، هنجارها و فناوری‌ها. باورها به پرسش «چیست» پاسخ می‌گویند؛ ارزش‌ها به پرسش «چه باید باشد» پاسخ می‌دهند؛ هنجارها به پرسش «چه انجام شود» جواب می‌دهند و فناوری‌ها به پرسش «چگونه انجام شود» پاسخ می‌دهند (ایروانیان، ۱۳۹۲، ص ۴۸).

اصلاح و درمان و بازپروری: بازپروری در اصطلاح، به معنای بهسازی اجتماعی یا اصلاح اخلاقی همراه با حسن رفتار است. رویکرد اجتماعی که از یافته‌های جرم‌شناسی تأثیر پذیرفته است و معیارهای مشخص و قابل سنجشی برای ارزیابی اصلاح فرد ارائه می‌دهد، اصلاح یا بازپروری را چنین تعریف می‌کند: «استحکام روابط اجتماعی و فردی بزهکار، به گونه‌ای که به وی اجازه دهد به‌طور فعال در جامعه وارد شود، مهارت‌های مفید و مقبول اجتماعی را فراگیرد و در عمل از این توانایی‌ها استفاده کند» (ایروانیان، ۱۳۹۲، ص ۱۵۴).

بازپروری بزهکاران: در اواخر قرن نوزدهم، اعتقاد به مجازات و بازدارندگی به‌عنوان هدف اصلی مجازات زندان و اعتماد به سیستم تفکیک به منزله هدف مطلوب و کارآمد در مورد زندانیان به‌طور فزاینده‌ای زیر سوال رفت. گزارش کمیته گلدستون^۱ در سال ۱۸۹۵ میلادی این تغییر تلقی در مورد زندانیان را منعکس می‌کند. این کمیته اظهار داشت: «ما از اصل شروع کردیم که اصلاح زندان باید هدف‌های اولیه و هم‌زمان خود یعنی بازدارندگی و اصلاح را داشته باشد» آنان استدلال می‌کردند که در شرایط مناسب، مؤسسه‌های کار صنعتی که به دور از انزوا هستند بهداشتی‌تر بوده و وظیفه ایجاد کار صنعتی در زندان را راحت‌تر می‌کرد و اگر این را مزیتی بدانیم که بتوان آن را نادیده گرفت، کنترل را به خطر نمی‌انداخت (ادواردز، ۱۳۸۸، ص ۸۵۸).

فوکو به تشریح نوعی نقشه و طرح استفاده کلی و اصول مراقبت پرداخت. او این شیوه‌ها و اصول را از مراقبت‌های علمی و متون این عصر استنتاج می‌کند. در توضیح فوکو، مراقبت بیشتر از هر چیز کالبدشناسی سیاسی رویدادهای جزئی است. مراقبت بر محدودترین حوزه کنترل اجرا می‌شود و به‌طور عمده به تمام بدن توجه نمی‌کند، بلکه به حرکت‌های فردی و ایما و اشاره‌ها می‌پردازد. هدف مراقبت این است که قابلیت و لیاقت هر حرکتی را افزایش دهد و هماهنگی آن را با دیگران توسعه دهد، فشارهای مختلفی اعمال کرده و حرکت‌ها و اقدام‌ها را با هم همراه کند. مراقبت این کار را از طریق اعمال نظارتی پیوسته و بی‌وقفه که نسبت به کوچک‌ترین انحراف حساس است انجام می‌دهد و بدین وسیله، کنترل دقیقی را نسبت به بدنی که تحت مراقبت است تجویز می‌کند. بر پایه زمینه‌ای که فوکو زندان را در آن جای داده است، زندان اکنون به‌عنوان جنبه‌ای از آن پدیده تاریخی وسیع‌تر است؛ یعنی، توسعه و تعمیم مراقبت‌ها. در واقع، اگر کسی به توسعه‌های خاص نوین در جرم‌شناسی که با زندان همراه بوده است

1. Gladstone

بیندیشد، آن‌گاه می‌تواند پی‌ببرد که دل‌مشغولی‌های مربوط به مراقبت و به‌هنجارسازی افراد تا چه اندازه در چارچوب قضایی نظام عدالت کیفری نفوذ کرده است (ادواردز، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷۸).

اگرچه بازدارندگی و ناتوان‌سازی از اهداف سنتی مجازات‌ها، دارای قدمتی تاریخی‌اند، ولی اصلاح و درمان یک رویکرد علمی و نسبتاً جدید است که در سده گذشته مطرح شد. جرقه جرم‌شناسی، شوق و اشتیاق علمی برای کشف علل جرم را در افراد مختلف پدید آورده و رهیافت‌های مختلف علت‌شناسی زیستی، روانی و اجتماعی شکل گرفتند که با وجود تغییر و تناقض دیدگاه‌ها، یک محور مشترک داشتند: ارتکاب جرم معلول عوامل درونی مجرم و یا محیطی است که او را فراگرفته و بر وی اثر می‌گذراند. بنابراین رسالت جرم‌شناسی کشف این عوامل و تلاش در جهت خنثی‌سازی و حذف آن‌ها است. تمرکز بر علل جرم و تلاش برای خنثی‌سازی آن‌ها، به‌منظور اصلاح و بازپروری مرتکبان و بازگشت آنان به جامعه بود. اصلاح زمانی محقق می‌شود که شخصیت فرد متحمل مجازات به گونه‌ای متحول شود که دیگر تمایلی به ارتکاب جرم نداشته باشد. در رویکرد اصلاح و بازپروری، مرتکب، یک بیمار اجتماعی محسوب می‌شود که مجازات درمان وی و بنابراین واجد کارکرد اصلاحی است. در این نگاه، از الگوی پزشکی و فرآیند معاینه، تشخیص، تجویز و درمان، برای اجرای یک برنامه اصلاحی استفاده می‌شود. بدیهی است که اجرای چنین برنامه‌ای زمان‌بر بوده و لازمه آن در اختیار داشتن مرتکب جرم برای مدت زمان اجرای برنامه است. این مسئله موجب به حاشیه راندن مجازات‌هایی چون شلاق، کیفر نقدی و تمرکز نظام اصلاح و درمان بر مجازات حبس شد. از سوی دیگر، توجه به اصلاح و درمان، ساختار زندان‌ها و کیفیت اجرای حبس را نیز تغییر داد. زندان‌های سزاده و ناتوان‌ساز گذشته تبدیل به درمانگاه مجرمان برای اجرای برنامه‌های اصلاحی شدند (مؤذن‌زادگان و خدادادی، ۱۳۹۲، ۸۵ و ۸۶). اگرچه تفکر بازسازی زمانی بر گفتمان‌های کیفری حاکم بود، ولی در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی بی‌اعتبار شد، بخشی به‌خاطر نتایج تحقیقاتی است که نشان داد اقدامات کیفری در نظر گرفته شده برای بازسازی مرتکبان، مؤثرتر از اقدامات تنبیهی در پیشگیری از تکرار جرم نبوده‌اند (صفاری، ۱۳۸۴، ص ۳۰۰). وی دویست و سی و یک مورد تحقیق که کارایی برنامه‌های اصلاحی را در فاصله سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۷ مورد ارزیابی قرار داده بودند، را بازبینی کرد. بر مبنای این ارزیابی، مارتینسون به این نتیجه رسید که صرف نظر از موارد اندک و استثنایی، تلاش‌های بازپرورانه‌ای که تا این زمان صورت گرفته‌اند، هیچ اثر تأیید شده‌ای بر تکرار جرم نداشته‌اند. این نتیجه‌گیری نسبتاً

فنی را می‌شد به اشکال مختلف تفسیر کرد. مثل این که گفته شود برنامه‌های اصلاح و درمان به شکل صحیحی اجرا نشده‌اند و یا این که نوع برنامه‌ها نادرست بوده است (پاک‌نهاد، ۱۳۹۰، ص ۹۹).

نویسندگان قانون اساسی سال ۱۳۵۸ در بند پنجم اصل یکصد و پنجاه و ششم^۱ این قانون و تدوین کنندگان مقررات تقنینی و فراتقنینی به پیروی از آنان، بازپروری بزهکاران را در شماری از قوانین، آئین‌نامه‌ها، اساسنامه‌ها و دستورالعمل‌ها به‌عنوان اهداف و وظایف دستگاه قضایی و اجرایی پیش‌بینی کرده‌اند. بدین‌سان، در حقوق ایران به دلیل توجه شماری از مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی به اصلاح و درمان مجرمان می‌توان از حقوق بازپروری بزهکاران سخن گفت (نیازپور، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷). اصلاح و بازاجتماعی کردن بزهکاران زندانی در حقوق ایران، از گذر رعایت حقوق بنیادین آنان امکان‌پذیر خواهد بود. آئین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نیز ماهیت زندان را به درمانگاه جرم تغییر داده و نویسندگان آئین‌نامه اجرایی به‌منظور اجرای قانون اساسی، رسالت زندان را تحمل کیفر برای اصلاح و درمان تعبیر کرده‌اند. ولی در عمل، به دلیل تورم جمعیت کیفری زندان‌ها، کمبود بودجه و نبود فضای کافی، بسیاری از مقررات آن اجرایی نشده است (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۴).

در قلمرو سیاست جنایی ایران بازپروری بزهکاران در محیط زندان به شکل‌های مختلف مورد توجه واقع شده است. نمونه بارز آن ماده ۳ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ است که هدف زندان را اصلاح و درمان بزهکاران معرفی کرده است. بر اساس این ماده «زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامات قضایی صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به‌طور دائم به‌منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگهداری می‌شوند». این سیاست کلی و راهبر گویای ماهیت اصلی پاسخ‌های سلب‌کننده آزادی است، این که زندان باید بستری برای بازپروری بزهکاران باشد و اسباب دوباره اجتماعی شدن این دسته را فراهم آورد. ماده ۶۴ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ نیز مقرر می‌دارد: «بازداشت‌شدگان، محکومان و زندانیان حق دارند که از حقوق شهروندی مربوط به خود از قبیل تغذیه مناسب، پوشاک، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، ارتباط و اطلاع از خانواده، خدمات آموزشی و فرهنگی، انجام عبادات و احکام دینی بهره‌مند باشند».

۱. قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ... ۵- اقدام

مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و مطالب آن به روش کتابخانه‌ای با استفاده از کتب و مقالات تالیفی و ترجمه‌ای تحلیل و تدوین گردیده است.

یافته‌ها

با بررسی برنامه‌های اصلاح و درمان در زندان موارد زیر به دست آمد:

بهداشت روانی زندانیان: بهداشت روانی شامل فعالیت‌هایی می‌شود که افزون بر پیشگیری از ابتلا به مشکلات و اختلالات روانی و عصبی، فرد زندانی را برای ارتقای بهداشت روان یاری کند. اساس فعالیت‌های بهداشت روان بر پیشگیری از ابتلای زندانیان به اختلالات روانی و عصبی استوار است، در حالی که امروزه زندان تنها علیه آزادی محکومان اعمال نمی‌شود (گودزی و جوانفر، ۱۳۸۲، ص ۱۲۸). ارزیابی یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش درجه از خودبیبگانگی، میزان سلامت روانی در زندانیان به طور معکوس کاهش می‌یابد. «ملوین سیمن» معتقد است ساختار بوروکراسی جامعه مدرن، شرایطی را ایجاد و ابقا کرده است که در آن، انسان‌ها از یک سو نمی‌توانند عواقب و نتایج رفتارهای خود را کنترل کنند و از سوی دیگر، نحوه کنترل و مدیریت جامعه و سیستم پاداش‌دهی اجتماعی نیز به گونه‌ای است که فرد، بین رفتار خود و پاداش دریافتی از سوی جامعه نمی‌تواند ارتباط برقرار کند و در چنین شرایطی، احساس انفعال و از خودبیبگانگی بر فرد مستولی می‌شود و او را به کنشی منفعلانه و غیر مشارکتی وامی‌دارد. در نتیجه فرد یکی از انواع خودبیبگانگی (بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی، از خودبیزاری) را در خود احساس می‌کند. امروزه وجود رفتارهای پرخاشگرانه زندانیان به عنوان یک مشکل عمومی و رایج در زندان‌ها مطرح است و حتی سبب این دیدگاه غلط شده است که پرخاشگری پدیده‌ای طبیعی و عادی در زندان است. با افزایش میزان و شیوع پرخاشگری در میان زندانیان، میزان سلامت روانی آن‌ها کاهش می‌یابد (الماسی و مرادی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴).

به نظر می‌رسد تدوین برنامه‌هایی برای بالا بردن سطح سلامت روانی و درمان اختلالات روانی موجود بر اساس شرایط ویژه هر زندانی در زمینه‌های تقویت خانواده، آموزش مهارت‌های زندگی، آموزش مهارت‌های فنی حرفه‌ای، اختصاص درآمدی در قبال کار به ویژه برای زندانیان متأهل، بازسازی شبکه حمایت اجتماعی،

برنامه‌هایی برای افزایش اعتماد به نفس از دست رفته و تدوین سازوکارهایی برای پیگیری‌های بعد از ترخیص از زندان از جمله مددکاری و دسترسی به روان‌پزشک و روان‌شناس بتواند در بهبود وضعیت روانی زندانیان مؤثر بوده و از باز تولید جرم جلوگیری کند. راهکارهای دیگری چون ترتیب دادن برنامه‌های مفرح و سرگرمی‌های سالم، ورزش، کلاس‌های آموزشی، توجه و معاینه آثار بدنی ناشی از شکنجه، خشونت و تجاوز جنسی و پاسخ سریع و بدون تشریفات برای مراجعه به پزشک و روان‌شناس و دادن مرخصی‌های مناسبی به زندانیان از جمله دیگر راهکارهای پیشگیری یا درمان اختلالات روانی موجود در سطح زندان است (قریشی، احمدوند و سپهرمنش، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲).

ماده ۳ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹؛ مواد ۴۰، ۴۱ و ۱۱۶ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴، ماده ۴۱ ماده ۱۱۶؛ مواد ۳ و ۴ آئین‌نامه اجرایی مددکاری اجتماعی مصوب ۱۳۷۹ به این موضوع پرداخته‌اند.

آموزش‌های حرفه‌ای: کار باید یکی از عنصرهای اصلی تغییر و اجتماعی کردن گام به گام زندانیان باشد، کار کیفی نباید به منزله مکمل یا به عبارتی تشدید کیفر در نظر گرفته شود، بلکه باید به منزله تخفیفی در نظر گرفته شود که محروم کردن زندانی از آن امکان‌پذیر نباشد. کار باید به زندانی امکان دهد که حرفه‌ای را فرا بگیرد و مشغول شود و درآمدی را برای خانواده خود تأمین کند. دو علت اساسی ایجاب می‌کند که کار در زندان برای محکومان حقوق عمومی تکلیف و اجبار باشد: تأمین امنیت و حفظ انضباط زندان. بیکاری موجب بی‌نظمی و اغتشاش بوده و عامل عصیان و نافرمانی است.

با توجه به این که مشکلات مالی و اقتصادی در زندان تا حد زیادی به آثار سوء و مخرب زندان دامن می‌زند، ایجاد کار در زندان، زندانیان را پس از رهایی از زندان یاری می‌کند تا با احترام به قانون، زندگی شرافتمندانه‌ای را در پیش گیرند و آنان را قادر سازد که بر مشکلات مالی زندگی فائق آمده و حوائج و ضروریات زندگی خود را از راه‌های صحیح و قانونی مرتفع کنند و از این طریق زمینه اصلاح و بازسازی آن‌ها فراهم می‌شود. در بین هریک از زندان‌های مطالعه شده، بالاترین درصد فراوانی ۵۰/۰ در میان زنان مورد مطالعه موافق و کاملاً موافق هستند که شرکت در کلاس‌های آموزشی تا حدودی زمینه یافتن شغل را برای آنان ایجاد می‌کند. بالاترین درصد (۶۸/۱ مردان) در زندان مرکزی استان اصفهان موافق و کاملاً موافق این امر هستند. در میان زندانیان مورد مطالعه در زندان کاشان بالاترین درصد (۵۴/۷) نیز موافق

و کاملاً موافق هستند و شرکت در کلاس‌های آموزشی را برای به‌دست آوردن شغل مناسب مؤثر دانسته و معتقدند که بعد از آزادی می‌توانند به شغل خوب و مناسب دست یابند. در مجموع زندان‌ها نیز ۶۲/۴ درصد افراد نتایج بالا را تأیید می‌کنند (قماشی و جهانگیری، ۱۳۹۶، ص ۷۵). در موادی ۱ از آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ به امر اشتغال و حرفه‌آموزی پرداخته شده است. بخشنامه جواز بکارگیری زندانیان در مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۱۴: «بنا به اعلام سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، عبارت پایانی بخشنامه شماره ۱/۸۲/۹۵۶۳ مورخ ۱۳۸۲/۶/۱۰ در خصوص منع بکار گماردن زندانیان در دستگاه‌های دیگر، ایجاد ابهام کرده است و بعضی قضات به استناد آن، اجازه اشتغال زندانیان را در مؤسسات تحت نظارت سازمان نمی‌دهند. یادآوری می‌شود که منظور از ممنوعیت بکارگیری زندانیان در دستگاه‌های دیگر، اعم است از این که آن دستگاه‌ها در حیطه نظارت سازمان زندان‌ها نباشند مانند واحدهای قضایی، ادارات، شهرداری‌ها یا این که خود سازمان و ادارات کل آن در استان‌ها، زندانی را در نهادها و واحدهای غیر تابع، نظیر تعاونی‌ها، پارک‌ها و به‌طور کلی اماکن خارج از تقسیمات زندان‌ها به اشتغال یا ارائه خدماتی وادارند؛ بنابراین، با رعایت آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۳۸۰/۴/۲۶ با اصلاحیه مورخ ۱۳۸۲/۸/۲۲ اشتغال به کار و آموزش فنی حرفه‌ای زندانیان با اهداف نیل به خودکفایی و اصلاح و تربیت آنان، در مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی تحت مالکیت یا نظارت مستقیم سازمان، موضوع مواد ۱۵ و ۱۷ آئین‌نامه مذکور، مجاز و بلامانع خواهد بود.

ماده ۱۹۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹؛ مواد ۱ تا ۱۱ آئین‌نامه کار زندانیان، با اولویت حرفه‌آموزی، موضوع بند (ب) ماده (۱۹۰) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۲۶ نیز به این مهم پرداخته‌اند.

تحصیل زندانیان: صاحب‌نظران علوم اجتماعی درباره آموزش و پرورش و رابطه آن با زندگی اجتماعی افراد، نظریات قابل ملاحظه‌ای ابراز کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، نجفی ابرندآبادی (۱۳۸۷، ص ۵۷۴) برای آموزش و پرورش بنیان‌های متعدد تاریخی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بر شمرده و بیان می‌کند که آموزش و

پرورش با استفاده از ابزارهای مناسب به دنبال شناساندن دوره‌های مختلف تاریخی، به انسان‌ها، تجربه‌آموزی، چگونگی رفتار با رخداد‌های درونی و بیرونی، معرفی هنجار و ارزش‌های اجتماعی و مانند آن است. با وجود شرایط و کارکردهای منفی زندان نمی‌توان از کارکردهای مثبت و بازپرورانه حاصل از عملکرد زندان‌ها در زمینه فراهم کردن امکانات آموزشی و پرورشی متناسب با توانایی و قابلیت‌های زندانیان چشم پوشید. انجام برنامه‌های سوادآموزی و تربیتی در زندان، تأسیس کتابخانه‌های جدید، افزایش سطح دانش زندانیان و برگزاری دوره‌های کارآفرینی و کارآموزی در درون زندان و سایر امور آموزشی و پژوهشی را توسط مسئولان زندان دارای کارکردهای بازپرورانه برای مجرمان دانسته‌اند (قماش‌ی و جهانگیری، ۱۳۹۶، ص ۶۸).

در زمینه کارکردهای فرهنگی اجتماعی، برنامه‌های آموزشی و پرورشی در زندان، بر اساس پژوهش میدانی به دست آمده در هر یک از زندان‌ها به ترتیب زندان مرکزی زنان استان اصفهان بالاترین درصد ۵۷/۲، میان زندانیان مرد در همان استان نیز بالاترین درصد ۵۸/۲ و در مورد زندانیان مطالعه شده در زندان کاشان بالاترین درصد ۶۱/۹ موافق و کاملاً موافق هستند که شرکت در کلاس‌های آموزشی موجب آشنایی آن‌ها با آداب و رسوم مختلف می‌شود و در مجموع زندان‌ها ۵۹/۴ درصد موافق و کاملاً موافق با این امر هستند. در رابطه با رعایت احترام از سوی سایر زندانیان به عنوان کارکرد شرکت در کلاس‌های آموزشی در بین هر یک از زندان‌های مطالعه شده به ترتیب در زندان زنان مرکز استان اصفهان بیشترین افراد ۵۰/۵۰، در بین مردان در همان استان بیشترین درصد ۵۹/۶ و در زندان مردان شهرستان کاشان ۵۷/۲ موافق و کاملاً موافق هستند که با شرکت در کلاس‌های آموزشی و برنامه‌های پرورشی در زندان، سایر زندانیان به آنان احترام می‌گذارند. در مجموع زندان‌ها نیز ۵۸/۲ درصد افراد موافق و کاملاً موافق با این امر هستند. میزان نوارهای آموزشی، تعلیمات آموزشی و کمک درسی در زندان زنان استان اصفهان تا حد ۵۰/۰ وجود دارد. در حالی که در زندان مردان در همین استان ۴۲/۲ و زندان مردان در شهرستان کاشان ۳۶/۹ میزان تهیه نوارهای آموزشی و کمک درسی به میزان زیاد و خیلی زیاد موجود است و در مجموع زندان‌ها نیز امکانات یادشده به میزان زیاد و خیلی زیاد ۳۹/۳ فراهم است. همچنین امکان تهیه کتاب‌های کمک درسی و جزوه‌های آموزشی در بین مردان زندان مرکزی استان اصفهان ۵۷/۵ و زندان شهرستان کاشان ۴۲/۹ به میزان زیاد و خیلی زیاد وجود دارد در حالی که در زندان زنان، مسئولان تا حدی ۵۷/۱ توانسته‌اند کتاب‌های کمک درسی و آموزشی را برای زندانیان فراهم کنند و در مجموع زندان‌ها

امکانات یاد شده به میزان زیاد و خیلی زیاد ۵۱/۱ موجود است (قماش‌ی و جهانگیری، ۱۳۹۶، ص ۷۴).
 پیرو همین سیاست، قانون گذار عادی ایران از رهگذر بند ۲۲ ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش ۱۳۶۶ «تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه» را در شمار وظایف اصلی این وزارت گنجانده است. به این سان، این وزارت مکلف شده است تا پایان دوره متوسطه به تهیه امکانات مناسب در زمینه تحصیل رایگان کلیه افراد از جمله زندانیان مبادرت ورزد. پس بر پایه این مقررات آموزش و پرورش زندانیان در شمار حق‌های اساسی آنان بوده و دولت باید در راستای اجرایی عملیاتی کردن آن گام بردارد. قانون گذار عادی ایران در قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۹۰ به موجب ماده ۲۱۱ به شکل شفاف تری به حق زندانیان اشاره کرده است. از این رو، بر اساس قسمت چهارم بند «ن» این ماده «آموزش زندانیان واجد شرایط با همکاری وزارت آموزش و پرورش» به دستگاه قضایی واگذار شده است تا به واسطه تعامل این نهاد با وزارت آموزش و پرورش دسترسی شهروندان زندانی به حق بر تحصیل امکان پذیر شود (نیازپور، ۱۳۹۴، ص ۲۶).

تحصیل بزهکاران یکی از مهم‌ترین ابزارهای اصلاح و درمان در این عرصه است که در آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ مورد توجه قرار گرفته است. به موجب ماده ۱۳۶: «به منظور سوادآموزی، ارتقاء سطح معلومات و جلوگیری از اتلاف وقت محکومان و همچنین تقویت اراده و پرورش فکر و استعدادهای نهفته آنان در کلیه مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و زندان‌ها از رهگذر وزارتخانه‌های مربوط و مؤسسه‌های آموزشی، علمی و فنی، حرفه‌ای و دولتی یا وابسته به دولت و یا سازمان‌های خیریه و نهضت سوادآموزی و با همکاری آنان تحت نظر واحدهای مربوط در مؤسسه یا زندان، آموزش فنی، حرفه‌ای و مذهبی داده می‌شود.»

همچنین در بند الف ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۶۴ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵، اصل سی ام^۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸، بند ۲۲ ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶ و ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۹۰، به این موضوع اشاره شده است.

۱. دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

ترک اعتیاد: در ایران به ازای هر صد هزار نفر ایرانی، دویست و شصت نفر در زندان به سر می‌برند و به عبارت دقیق‌تر به ازای هر چهارصد نفر ایرانی یک نفر در زندان می‌باشد. این در حالی است که در سال ۱۳۷۷ نزدیک به شصت درصد زندانیان زندان‌های کشور مرتبط با مواد مخدر و اعتیاد بوده‌اند. یادآوری این نکات این پرسش را در ذهن متبادر می‌سازد که متولیان امر اصلاح و تربیت تا چه میزان در نائل شدن به اهداف سیستم قضایی و زندان‌بانی کشور که همانا امنیت اجتماعی و اصلاح مجرمان است گام برداشته‌اند. گروه‌های ترک اعتیاد از روش‌های عملکردی در روان‌شناسی بالینی است که طی آن سعی می‌شود تا افرادی را که به هر نحو آلوده به استعمال مواد مخدر گشته‌اند، پاک کرد. در واقع هدف تشکیل و سامان‌دهی این گروه‌ها ترک اعتیاد است و نه پیشگیری از اعتیاد و معتاد شدن افراد. محیط زندان و زمانی که زندانیان در این چهاردیواری سربسته به سر می‌برند، یک فرصت خوب برای پیاده کردن این سازوکار کنترلی است. سازوکاری که نه تنها موجب تطهیر بزهکاران معتاد می‌شود بلکه متعاقباً می‌توان اثر آن را در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری در دوران حبس مشاهده کرد. اهمیت این سازوکار در کشور و زندان‌های ما بیشتر است. از آن‌جا که طیف وسیع و گسترده‌ای از آمار زندانیان در کشور ما را، زندانیان به دلیل استعمال مواد مخدر تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر شیوع مواد مخدر و استعمال آن حتی در زندان‌ها نیز مشهود است، می‌توان بر اهمیت این سازوکار صحنه گذارد. بر اساس این الگو، افرادی که به هر شکلی (چه با اراده و چه از سر اکراه و اجبار) آلوده به مواد مخدر شده‌اند، طبق برنامه‌ای منظم دور یکدیگر جمع شده و به صورت دایره‌وار به صورتی که همگی بتوانند یکدیگر را مشاهده کنند نظم می‌گیرند. این الگوی تجمع، خود دارای پیام است. پیام ضمنی آن این است که در این تجمع هیچ کس حاکم و مسلط بر دیگری نیست و هیچ رتبه‌بندی بر اساس هیچ اولویتی وجود ندارد (مؤذن‌زادگان و خدادای، ۱۳۹۲، ص ۲۱۶). پس از اثبات بروز موارد ایدز در بین معتادان تزریقی در ایران، یکی از مهم‌ترین اقدامات کاهش آسیب برای پیشگیری از تزریقات مشترک و جلوگیری از بروز بیماری‌های مهمی هم چون ایدز و هیپاتیت که مورد توجه مسئولان وزارت بهداشت و سازمان زندان‌ها در ایران قرار گرفت، اجرای برنامه‌های کاهش آسیب و به خصوص درمان نگه دارنده با متادون بود. از آنجا که بسیاری از معتادان تزریقی به صورت مکرر به حبس در زندان‌ها محکوم می‌شدند، اجرای این برنامه در زندانیان اهمیت زیادی پیدا کرد و این برنامه به سرعت در خدمات بهداشتی و درمانی زندان‌ها ادغام شد. برنامه درمان نگه دارنده با متادون از سال ۱۳۸۱ به صورت محدود در

بعضی از مراکز در ایران اجرا شد اما اجرای آن در زندان‌ها از سال ۱۳۸۳ آغاز شد و به تدریج در زندان‌ها گسترش پیدا کرد و اکنون بسیاری از زندان‌های ایران این خدمت را اجرا می‌کنند و همچنین ایران به‌عنوان یکی از کشورهای پیش‌گام در این زمینه در دنیا شناخته شده است. پیشنهادهای و راهکارهای فوری ارائه شده در این زمینه عبارت‌اند از: برای ارتقاء برنامه درمان نگه‌دارنده با متادون توسط پزشکان، مشاوران، کارشناسان، رؤسا و مدیران زندان‌ها؛ توجه بیشتر به پیشگیری از ورود و فروش غیرقانونی متادون در زندان به منظور افزایش اثربخشی برنامه؛ جداسازی افراد تحت پوشش درمان نگه‌دارنده با متادون در زندان‌ها؛ استفاده از گروه‌های همسان؛ جلب اعتماد معتادان زندانی و اصلاح شیوه‌های گزینش معتادان برای ورود به برنامه؛ نصب دوربین‌های مداربسته در داخل زندان برای کنترل بندها؛ کنترل منظم افراد تحت پوشش برنامه برای منع استفاده از سایر داروها و مخدرها؛ ماشینی شدن سیستم توزیع و ثبت پرونده‌های افراد تحت پوشش درمان نگه‌دارنده با متادون؛ تعیین مددکارهایی به‌عنوان پل ارتباطی خانواده و زندان؛ قبول معتاد به‌عنوان یک انسان و تلاش در جهت بهبود زندگی وی؛ ارائه رژیم‌های غذایی مناسب به زندانیان معتاد تحت پوشش درمان نگه‌دارنده با متادون؛ تهیه یک دستورالعمل دقیق، مناسب و به‌روز در زمینه برنامه کاهش آسیب در زندان‌ها؛ مشخص کردن اهداف درمان نگه‌دارنده با متادون و تلاش جهت ترک کامل؛ ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های مختلف مرتبط با برنامه؛ ارائه آموزش‌های همه‌جانبه به افراد مرتبط با برنامه و جذب نیروهای کارآمد؛ تقویت برنامه‌های روان‌درمانی در برنامه‌های مقابله با اعتیاد و کاهش آسیب، استفاده از مراکزی جهت ارائه خدمات مراقبت بعد از خروج؛ توجه به اشتغال زندانیان پس از خروج از زندان و آموزش مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای به آن‌ها. (مرادی، فرنیا، جعفری، رحمانی و شهبازی، ۱۳۹۴، ص ۴۸). ماده ۳ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ و مواد ۱۲، ۱۱۰ و ۲۱۴ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ به این موضوع پرداخته‌اند.

انجام مراسم‌های مذهبی؛ بسیاری از مددجویان اعم از متهم یا محکوم، آگاهی کافی و معرفت لازم از مبانی دینی را ندارند؛ بدیهی است که تلاش و کوشش در هر عملی، منوط به وجود انگیزه‌هایی است که قبل از انجام عمل در فرد ایجاد شده، پس اگر در مدت اقامت در زندان، مسئولان امر نسبت به فرائض و تعالیم دینی آن‌ها را مطلع و زمینه را برای رشد معنوی آن‌ها فراهم کنند، هرگز حاضر نمی‌شوند خود را با گناه آلوده کنند؛ وقتی مددجویی باور کند که نماز تخلیه همه پلیدی‌ها و دوری از همه دردهای درونی و باعث آرامش

قلبی و لحظه گفتگوی او با معبود است، چگونه راضی خواهد شد که آن را با امور دیگر معاوضه کند؟ بنابراین آن چه باید پیش از هر چیز بیشتر مدنظر متولیان زندان قرار گیرد، یکی اهمیت نماز و دیگری آثار نماز است که باید با برنامه‌ریزی‌های صحیح، مددجوها را برای نیل به آثار آن حمایت و راهنمایی کنند. آثار نماز در اصلاح و تربیت مددجویی که مرتکب جرم و گناه شده و برای تحمل کیفر مدتی از عمر خود را در ندامتگاه سپری می‌کند عبارت است از: بهترین وسیله تقرب به خدا؛ موجب گشایش مشکلات دنیایی (زیرا چنان قدرتی در مددجو ایجاد می‌کند که در مقابل مصائب و سختی‌ها مقاومت می‌کند)؛ باعث بخشش گناهان است (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۹). در خصوص سازوکارهای مذهب برای پیشگیری و کاهش مصرف مواد مخدر دو نظریه وجود دارد: نظریه مهار اجتماعی و نظریه یادگیری اجتماعی. نظریه پردازان مهار اجتماعی معتقدند انسان‌ها به‌طور ذاتی میل به انحراف و ضدیت با اجتماع خود را دارند و به‌طور طبیعی قابلیت ارتکاب جرائم و میل به هم‌رنگی با سایر افراد را دارند، به‌ویژه در انحراف از قوانین. نظریه مهار اجتماعی پیش‌بینی می‌کند که اگر افراد در وابستگی، تعهد، پیروی و اعتقاد در سطح بالایی باشند کمتر مستعد انحراف از هنجارهای اجتماعی از جمله مصرف مواد مخدر خواهند بود (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۶). در تبصره دو ماده ۱۳ و مواد ۳۰، ۱۴۹، ۱۵۴، ۲۱۴ و ۲۴۲ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ به امور مذهبی در زندان پرداخته شده است.

ورزش در زندان: از دیدگاه جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی شاید بتوان ورزش و نقش تربیت بدنی در اصلاح افراد و ایجاد انگیزه زندانیان و به‌وجود آوردن یک روحیه سالم را یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های تربیتی دانست. به عبارتی ورزش را می‌توان دریای پاک و زیبایی تصور کرد که مدفن بسیاری از ناپاکی‌ها است. ورزش در محیط زندان می‌تواند موقعیت‌هایی را از نظر اجتماعی برای نادمان به وجود آورد که افراد در آن محیط بسیاری از فشارهای روانی و عاطفی را برای ساعت‌ها به فراموشی می‌سپارند. ورزش به‌عنوان یک انگیزه و نیاز که می‌تواند انرژی افراد را مصرف کند، می‌تواند زمینه مناسبی برای اجتناب از ارتکاب جرائم داخل زندان شود. بسیاری از تخلفات و جرائمی که توسط زندانیان صورت می‌پذیرد ناشی از بیکاری و انرژی روانی مصرف نشده زندانیان است. پژوهش‌های متعددی نشان داده که مجرمانی که در زندان به ورزش یا کار مشغول می‌شوند از شرایط بهتری برای سازگاری با محیط برخوردارند. به‌طور کلی ورزش در تمام دوران زندگی انسان‌ها حائز اهمیت است. ولی به‌دلیل شرایط خاص زندان وجود امکانات ورزشی

برای زندانیان به‌عنوان نوعی امکان درمانی می‌تواند مدنظر قرار گیرد. ورزش چه از نظر تأمین سلامت جسمی و روانی زندانیان و چه از نظر آموزشی و تربیتی برای آنان مفید است و می‌تواند باعث تخلیه تمایلات سرکوب شده شود و اعتماد به نفس را به آنان ارزانی دارد (رضایی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۲۵). در مواد ۷۴، ۷۷، ۸۰، ۹۱، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۲۱۳ و ۲۱۴ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ به امر ورزش زندانیان پرداخته شده است.

آموزش مهارت‌های زندگی: مسئله‌ای که ضرورت وجود آن برای زندانیان بسیار حائز اهمیت است آموزش مهارت‌های زندگی است؛ مهارت‌های زندگی، شخص را قادر می‌سازد تا دانش، نگرش و ارزش‌های وجودی خود را به توانایی واقعی تبدیل کند تا بتواند از این توانایی‌ها در استفاده صحیح‌تر از نیروهای خود بهره‌گیرد و زندگی مثبت و شادابی را برای خود فراهم کند. در زندان‌ها آموزش مهارت‌های زندگی زیرمجموعه فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی انجام می‌شود و در بیشتر کلاس‌های آموزشی برای بالابردن توانمندی زندانیان، مهارت خودآگاهی، مهارت توانایی برقراری رابطه بین فردی مؤثر، توانایی تصمیم‌گیری، حل مسئله، توانایی روبرو شدن با هیجان‌ها و توانایی تفکر خلاق، ارائه می‌شود. در نتیجه این آموزش‌ها فرد یاد می‌گیرد در شرایط بحرانی یک تصمیم‌گیری منطقی، بی‌طرفانه، واقع‌بینانه و بر مبنای ارزیابی دقیق موقعیت‌ها داشته باشد. این مهارت به فرد کمک می‌کند تا به نحو مؤثرتری در مورد مسائل زندگی و تصمیم‌گیری‌های خود ارزیابی معقولانه‌ای داشته باشد. به عبارتی لازم است فرد و به‌ویژه زندانیان، از لحاظ مهارت‌های مختلف اجتماعی آنقدر ارتقاء یابند که به بالاترین سطح از بهداشت روانی برسند (طارمیان و ماه‌جویی، ۱۳۷۹، ص ۱۲). بررسی دقیق موقعیت‌ها، پرسش کردن، ارزیابی دلایل و شواهد و وقایع، دقیق بودن در تفکر، توجه داشتن به جزئیات، تشخیص درست از نادرست، ذهن باز داشتن، توانایی استدلال، تشخیص تأثیر اعمال بر روی خود، خانواده و جامعه، استفاده از راهبرد مناسب برای حل اختلاف، پایبندی به قانون و نظم، پایبندی به هنجارهای مورد قبول جامعه نیز از جمله مهارت‌هایی هستند که یک فرد باید کسب کند تا بتواند در موقعیت‌های مختلف از چالش‌ها و مشکلات، بدون آسیب رساندن به خود و دیگران عبور کند. در صورتی که برنامه آموزش مهارت‌های زندگی با هدف‌گذاری منسجم‌تر در زندان‌های کشور تقویت شوند و از طرفی در کنار آن، برای فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی برنامه‌ریزی هدفمند، گسترده و علمی‌تر صورت گیرد؛ زمینه بروز و ظهور استعداد زندانیان فراهم می‌شود و بازگشت

مجدد زندانیان و تکرار جرم پس از آزادی در آنان کاهش یافته و زندانیان با کسب سلامت روح و روان همراه با فراگیری مجموعه مهارت‌های مختلف شغلی، تحصیلی، فردی و اجتماعی وارد جامعه می‌شوند (طارمیان و ماه‌جویی، ۱۳۷۹، ص ۱۷). ماده ۲۱۴ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ مقرر می‌دارد: «شرایط اعطای مرخصی: ... ج) کسب حداقل دو بیست امتیاز برای هر نوبت مرخصی با توجه به معیارهای زیر: ... ۲۳ شرکت در دوره مهارت‌های اساسی زندگی هر مهارت پنج امتیاز حداکثر پنجاه امتیاز؛ ۲۴ اخذ گواهی مربوط به مهارت‌های اساسی زندگی هر مهارت ده امتیاز حداکثر صد امتیاز؛...»

تأثیر در زندان: زندان، بخشی از یک جامعه است با تمام ابعاد مادی، معنوی، هنجارها و ارزش‌های همان جامعه. به بیان دیگر می‌توان زندان را شهری کوچک در درون شهر اصلی به حساب آورد. کندوکاو در زندگی فشرده و پر از فشاری که این محیط به انسان‌ها تحمیل می‌کند دیدگاه‌های جدیدی را برای کمک به آسیب‌دیدگان اجتماع و بازگرداندن این افراد به اصلاح و سلامت و نجات خانواده و بنیان اجتماع می‌طلبد. همچنین به نظر می‌رسد واکنش‌های افراطی که موجب حضور آن‌ها در زندان شده، نشان از حساسیت روحی و تحریک‌پذیری و آسیب‌پذیری بیشتر این گروه دارد. تأثیر زندان به‌عنوان گونه‌ای از تئاتر، موضوعی به‌عنوان تفریح و سرگرمی، مسیری برای فرهنگ‌سازی، راهی برای درآمدزایی، محملی برای حضور هنرمندان و منتقدان (برای نقد و بررسی) و در نتیجه اعتلا و پیشرفت آن، یکی از راه‌های اصلاح و بازپروری و در نهایت، کاهش جمعیت کیفری برای زندانیان و حواشی آن، می‌تواند مفید باشد. اگر اولین ردیف جرم، قاچاق مواد مخدر و دومی سرقت باشد، سومین گروه، نزاع و پرخاشگری است. اغلب نزاع‌ها و پرخاشگری‌ها راهی است برای مطرح شدن. اگر راه درستی برای مطرح شدن وجود داشته باشد دیگر نیازی به راه‌های غیر متعارف و پرخطر برای این کار نیست. مطرح شدن در تئاتر می‌تواند با روی صحنه رفتن انجام شود و این نیاز درونی به دنبال راه‌های اشتباه برای ارضاء نخواهد رفت. مطرح شدن در صحنه تئاتر با تشویق همراه است در حالی که راه‌های دیگر توییح و خطر. در صحنه تئاتر فرد خود را درون صحنه‌ای می‌بیند که نور، دکور و تماشاچی و مانند آن، همه و همه متعلق به او هستند. درباره رسالت درمانگری و جوهره شفابخشی تئاتر، می‌توان گفت که تئاتر می‌تواند موجبات عقدگی‌گشایی و حل و فصل خیلی از مسائل را فراهم آورد. در تئاتر، مددجویان با بازگشت به مشکل خویش به تجزیه و تحلیل و روان‌کاوی آن

می‌پردازند و به مسائلی پی می‌برند که قبلاً به آن توجهی نداشته‌اند (بروجردی، ۱۳۸۶، ص ۱۹). بنابراین اگر رسالت هنرهای نمایشی در زندان باعث کار فرهنگی نیز نشود و فقط باعث شاد کردن زندانیان حتی برای یک مدت کوتاه شود باز هم بسیار کار بزرگی انجام شده است. درست در بدترین شرایط ممکن برای یک زندانی تئاتر می‌تواند در روح و روان وی تأثیر گذارد و همانی را که برای وی خوب و مناسب است در قالب درون مایه تئاتر پیش روی آن‌ها قرار دهد. در مرحله اول حضور زندانی برای یک حرکت فرهنگی فقط گریز ذهن و جسم از سلول و بند است، اما در مرحله دوم با نزدیک شدن به یک نیروی فرهنگی که با بیرون در تماس است و می‌تواند برایش نشریه یا کتاب بیاورد و رفتارهای جدید را به او بیاموزد، برایش لطف دارد و در نهایت با روش‌های درمانی تئاتر می‌شود او را به جهان ورای جهان خود برد (بروجردی، ۱۳۸۶، ص ۲۰).

با توجه به بررسی‌های انجام شده در زندان‌های ایران، تئاتر زندان در ایران رو به رکود است. تئاتر زندان در ایران فقط در هفت استان فعال است و از این تعداد نیز فقط سه استان هستند که روند رو به رشدی را طی می‌کنند. در مواد ۱۵۴، ۱۵۵ و ۱۵۶ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ به امر تئاتر در زندان پرداخته شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مجازات حبس از دیرباز به عنوان یکی از مجازات‌های مهم در نظام‌های عدالت کیفری وجود داشته است. این نوع مجازات از زمان پیدایش تاکنون سیر تحول و تغییراتی را داشته است و به مرور زمان به رایج‌ترین مجازات برای جرائم مختلف تبدیل شده است. کارکرد سنتی و مهم مجازات حبس، اصلاح و درمان مجرمان بیان شده است. امروزه با کم رنگ شدن مجازات اعدام و ضرورت کنترل مجرمان پرخطر، مجازات زندان اهمیتی دو چندان یافته است. کارکرد مهم حبس که همان اصلاح و درمان است، شرایط و لوازم خاص خویش را دارد. مجازات حبس به خودی خود، آثار روانی و جسمی تخریب‌کننده برای محکوم خواهد داشت. مجرم به عنوان عضوی از اعضای جامعه انسانی به صرف ارتکاب جرم حقوق بشری خویش را از دست نمی‌دهد. اندیشمندان مکتب اصلاح و درمان، با تبدیل مجازات به پنهان‌ترین بخش نظام عدالت کیفری، هدف اصلی فرآیندهای کیفری را بازپروری مجرم می‌دانستند. این در حالی است که متفکران

کیفرشناسی نو، با غفلت عامدانه از مجرم و بکارگیری سیاست‌های ناتوان کننده در قبال او، هدف اصلی نظام عدالت کیفری را تأمین و برقراری امنیت در جامعه اعلام کرده‌اند.

یکی از مهم‌ترین حقوق مجرمان محبوس در راستای تحقق هدف اصلاح و درمان حقوق بهداشتی و سلامت روانی آنان است. دستگاه قضا به‌عنوان متولی اجرای عدالت و مجری قوانین کیفری مکلف است در خصوص بیماریارانی که حسب مورد به‌عنوان متهم یا محکوم در سیر دادرسی کیفری قرار می‌گیرند، مقررات خاصی را پیش‌بینی و رعایت کند. برنامه‌های اصلاح و تربیت مثبتی بر فرهنگ در زندان‌های ایران، بهداشت روانی زندانیان، آموزش‌های حرفه‌ای، تحصیل زندانیان، ترک اعتیاد، انجام مراسمات مذهبی، ورزش در زندان، آموزش مهارت‌های زندگی و تئاتر در زندان هستند. راهبردها و مقررات اصلاح و بازپروری مجرمان از طریق مجازات کردن، از طریق تدابیری ضمن مجازات حبس، از طریق تأسیسات حقوقی نوین با عناوین مشابه، از طریق روش‌های غیر کیفری و از طریق برنامه‌های خاص اصلاح و بازپروری هم در سیستم اصلاح و درمان ایران مشاهده می‌شود. در زندان‌های ایران برنامه‌های فرهنگی قدمتی در حدود دو دهه دارند، البته از اوایل دهه ۱۹۸۰ جنبش‌های اصلاح و بازپروری به‌طور عام رو به کاهش رفته است. توجه به تمام نیازهای جسمی، روحی، روانی و عاطفی زندانیان که با استفاده از برنامه‌های مختلف و تدابیر مناسب بازپرورانه برای آنان در نظر گرفته می‌شود، اقدام مثبتی است که به‌طور کامل در راستای تربیت و رشد و تعالی همه جانبه آنان است.

فهرست منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۱). بازپروری عادلانه مجرمان، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳. احمدی، علی. (۱۳۸۷). تأثیر نماز در اصلاح و تربیت مددجویان (زندانیان) با طرح پیشنهادی کاربردی. ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۷۵.
- ادواردز، امی و هرلی، ریچارد. (۱۳۸۸). تحولات زندان‌های انگلستان در دو دهه اخیر. حمید بهرمن‌دبگ‌نظر، مترجم. مندرج در تازه‌های علوم جنایی، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: انتشارات میزان.
- ایروانیان، امیر. (۱۳۹۲). نظریه عمومی سیاست‌گذاری جنایی. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴.
- آئین‌نامه اجرایی مددکاری اجتماعی مصوب ۱۳۷۹.
- آئین‌نامه کار زندانیان، با اولویت حرفه‌آموزی، موضوع بند (ب) ماده ۱۹۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۲۶.

- بخشنامه جواز بکارگیری زندانیان در مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۱۴.
- بروجردی، علی. (۱۳۸۶). تأثیر تئاتر در زندان. ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۸۲.
- بولک، برنارد. (۱۳۸۵). کیفر شناسی. دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم. چاپ ششم، تهران: انتشارات مجد.
- پاک‌نهاد، امیر. (۱۳۹۰). تحولات نوین زندان از درمانگاه مجرمان تا زباله‌دان اجتماعی. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۴). ترمینولوژی حقوق. چاپ هفتم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- رضایی مقدم، خلیل. (۱۳۸۶). نقش ورزش در اصلاح و تربیت مددجویان. ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۷۱.
- صفاری، علی. (۱۳۸۴). توجیه یا دلیل‌آوری برای مجازات. فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲.
- طارمیان، فرهاد و ماه‌جویی، مادیار. (۱۳۷۹). آشنایی با مهارت‌های زندگی. چاپ سوم، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصلاحی ۱۳۶۸
- قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹
- قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۹۰
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قریشی، فاطمه سادات؛ احمدوند، افشین؛ سپهرمنش، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی وضعیت سلامت روان در معتادان تزریقی زندان کاشان در سال ۱۳۸۶. فصلنامه پژوهنده، ۱۵(۲).
- قماش، سعید و جهانگیری، الناز. ۱۳۹۶، بررسی کارکردهای بازپرورانه اجرای حق برخورداری از آموزش و پرورش در زندان‌های استان اصفهان، فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، ۸(۲).
- گودرزی بروجردی، محمدرضا و الوندی، مظفر. (۱۳۸۲). حقوق بشر در نظام کیفری و زندان‌ها. تهران: انتشارات راه تربیت.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا و جوانفر، عباس. (۱۳۸۲). نارسایی‌های زندان. فصلنامه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۳(۹ و ۱۰).
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری، مترجم. چاپ بیست و سوم، تهران: نشر نی.
- الماسی، مسعود و مرادی، گلمراد. (۱۳۹۱). بررسی سلامت روانی زندانیان زندان‌های استان ایلام و عوامل مرتبط با آن، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۱(۳).
- مرادی، قباد؛ فرنیا، مرضیه؛ جعفری، سعیده؛ رحمانی، خالد؛ شهبازی، محمد. (۱۳۹۴). راهکارهایی برای ارتقاء روش درمان ننگ دارنده با متادون در زندان‌های ایران مطالعه تطبیقی. فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۲(۶).
- منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵
- مودن‌زادگان، حسنعلی و خدادادی، سیدبهنم. (۱۳۹۲). نظارت بر مجرمان در فرآیند مجازات سلب آزادی. فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، ۴(۲).
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۷). مختصر جرم‌شناسی. تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۹۴). حق زندانیان بر تحصیل در قلمرو سیاست جنایی تقنینی سازمان ملل متحد و ایران، فصلنامه اندیشه‌های حقوق کیفری، ۱(۱).
- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۵). بازپروری بزهکاران در مقررات ایران. فصلنامه فقه و حقوق، ۳(۱۱).
- یاوری، اسدالله. (۱۳۹۲). حاکمیت قانون و حقوق بشر در زندان و بازگشت زندانی به جامعه. مندرج در تازه‌های علوم جنایی، کتاب دوم، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.